مسئولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

نجیب روشن ۲۰۲۱/۰۹/۱۶

اختـــلاف در «امارت»
شکست در «مقاومت»

در این روزها که «طالبان» طلسم شکست ناپذیری پنجشیر را شکسته اند و به شمار مخالفین مغرور شان افزوده و شیپور پیروزی تسلط بر کل کشور را به صدا درآورده اند، توجه رسانه های خبری جهان بیشتر بسوی «طالبان» معطوف شده است .
داغ ترین خبر در مورد «طالبان» که گفته میشد همبسته ترین نیروی چریکی در کشور و حتی در منطقه اند و همین یکپارچگی، آنان را به قدرت رسانید، بروز اختلافات بر سر «غنایم» جنگ (تقسیم قدرت) است.
از نظر نگارنده، نباید از بروز اختلافات در بین «طالبان» متعجب شد. بر اساس همان قول معروف وطنی: «مگر طالبان افغان نباشند!» که بین شان اختلاف نظر وجود نداشته باشد. در حوادث و رویداد های یک قرن اخیر افغانستان، از دوران «شاه امان الله» تا همین دم (امارت طالبان)، اختلافات بر سر تقسیم قدرت همیشه وجود داشته که حتی منجر به کودتا هایی درونی در داخل نظام و حکومت ها نیز شده است .
گفته می شود اختلاف در درون «طالبان»، زمانی شروع شدند که «ملا برادر» بر اساس تعهدات اش در توافقات «دوحه»، خواهان تشکیل یک کابینهٔ مختلط از اقوام مختلف بود، اما شرکای ائتلافی اش (سران گروه حقانی)، در مشوره و حمایت رئیس ادارهٔ «آی. اس. آی» پاکستان که بکابل سفر کرده بود، تمام مقامات قدرت را به پشتون ها سپردند، آنچه مورد انتقاد و عکس العمل شدید جامعهٔ جهانی قرار گرفت .
در مورد شدت اختلافات و اینکه کار به «مُشت و یخن شدن!» و با ترموز کوفتن یکدیگر در «ارگ» انجامیده است، خبرهای ضد و نقیضی در دست است، اما آنچه واقعیت دارد اینست که، اختلافات بین «طالبان»، با اینکه از قبل محسوس بود و چنین انتظاری می رفت، اما به زودی به نقطهٔ انفجاری رسید... «طالبان» که جز وحدت و یکپارچگی گروهی، کدام برتری از جمله برنامه برای رفاه مردم و پلانی برای ترقی و تعالی کشور ندارند، با این «ترموز جنگی» های شان، اولین زنگ سقوط زود هنگام شانرا به صدا درآوردند.
و اما بیائید ببینیم، در جناح مقابل (مقاومتی ها) چه خبرهاست:
مقاومتی ها که ادعا داشتند شکست نخورده اند و در پنجشیر حضور دارند، توسط برخی «یوتیوپ YouTube » رانان که در پی بدست آوردن پول از طریق تماشای چینل های خویش اند و به پنجشیر سفرهایی کردند و حتی به حریم شخصی سران «مقاومت» (احمد مسعود و امرالله صالح) داخل شدند و فلم گیری ها کردند، آن هنگامه ها را که سران مقاومت به تاجکستان فرار کرده اند، ثابت ساختند. بدون شک «طالبان» از این فلمبرداران استقبال کردند و زمینه های تبلیغاتی را به نفع چینل های متذکره و خودشان مهیا ساختند.
ولی آنچه در رابطه با خبرهای «جبههٔ مقاومت در پنجشیر»، غیرحرفوی و فاجعه بار بود و نقطهٔ پایان و شکست «مقاومت دوم» را گذاشت، گریستن و چشمان اشکبار «امرالله صالح» بود ...
نگارنده که با آقای «صالح» اظهار همدردی دارم و مرگ برادرش را تسلیت می گویم، نمی خواهم بگویم «سیاست مدار» احساس ندارد و نباید در سوگ عزیزش بگرید، اما می گویم: نباید اشکهایش را در جریان یک نبرد، که نشانهٔ عجز، ناتوانی و به زانو درآمدن است، نشان بدهد ...!
تماشای ریزش آن اشکها در شبکه های مجازی، برای آنانیکه سلاح بر شانه کرده و برای «احمد مسعود و صالح» می جنگیدند، نقطهٔ پایان جنگ، شکست و باختن است!.. اما سوال اینجاست که: آیا آقای «امرالله صالح»، خود خواسته اشکهایش را به تماشا بگذارد؟... درست نمی دانم!
در همین رابطه یک مثال می دهم:

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

پسر «استالین» در جنگ عمومی دوم، از جانب فاشیستان هیتلری اسیر شد. آلمانی ها به او پیامی فرستادند و خواستند پسرش را با یک تن از جنرالان اسیر آلمانی معاوضه نماید، اما استالین نپذیرفت و پاسخ داد: چگونه یک جنرال را با یک سرباز معاوضه کنم؟!.. هدف از این مثال، داشتن مورال قوی در جنگ است، که حتی اگر پای اعضای خانواده در میان باشد، نباید خدشه دار شود !

از اینها که بگذریم،

می خواهم به چند واقعیت در رابطه با بقاء و یا فنای «مقاومت دوم»، توجه عزیزان را معطوف سازم:

-واقعیت اولی، جهت عملی «مقاومت» است: نه پنجشیر امروز، آن پنجشیر دوران «جنگ سرد» است، نه «مقاومتی» هایش مردان دیروز اند و نه قدرت های خارجی، در هوای دیروز اند... همین که اکثریت سران و گویا بزرگان «جمعیت اسلامی افغانستان» از کشور فرار کردند و دیگر توان جنگیدن در سنگرها و زیستن در مغاره ها را نداشتند، خود شکست «مقاومت دوم» را لازمی می سازد..!

-واقعیت دومی، اوضاع اجتماعی و فرهنگی سران «مقاومت دوم» است: چگونه توقع برده می شود که «احمد مسعود» که تمام زندگی اش در بیرون از کشور و دور از تربیت خانوادگی و پدر گذشته، نه تجربهٔ جنگ دارد و نه از سیاست بهره ای، می تواند چون پدرش ادارهٔ یک مقاومتِ به مراتب مشکل تر از «مقاومت اول» را هدایت و رهبری کند؟ ...

به همین ترتیب آقای «صالح» که سی سال دریشی پوشید، ریش تراشید و نکتایی بست و در مقامات مهم و با امتیازات دولتی کار کرد، حالا چگونه ریش بگذارد، لباس رزمی بر تن نماید و دوباره به کوه ها بالا برود و سنگر ها را نظارت کند؟...

-واقعیت سومی، حمایت، اعتماد و باور مردم به «مقاومتی» هاست: چگونه مردم افغانستان به «مقاومتی ها» باور و اعتماد کنند که اگر دوباره به قدرت برسند، جنایات قبلی و «لنده غری» ها پایان خواهند یافت و معادن «زمرد و لاجورد» از انحصار خانوادهٔ «مسعود» بیرون و به مردم تعلق خواهند گرفت؟ ...

به قول معروف «سر ما را مار گزیده!» که بار دیگر به حاکمیتی دل ببندیم، که سران اش «نسل دوم» همان فاسدین «شورای نظار» و لنده غران «جمعیتی» خواهند بود؟ ..!

و جالب دیگر اینکه :

در یکی دو روز اخیر، این خبر بر سر زبانهاست که، اتحادیهٔ اروپا از «احمد مسعود» دعوت کرده است تا در این مجمع سخنرانی کند. نمی دانم چقدر این دعوت صحت دارد، اما اگرهم درست باشد، به چه معنی است؟... آیا این تلاش ها برای ادامهٔ جنگ در افغانستان نیست، جنگی که مردم خواهان ادامه اش نیستند؟

وقتی بزرگ ترین طاقت نظامی و اقتصادی جهان (امریکا)، دیگر علاقمند شمول در درگیری های افغانستان نیست، آیا چند مشتری «زمرد» برادران «احمد شاه مسعود» در فرانسه، می توانند امیدی برای مردم افغانستان باشند؟ ...

در آخر، برخی چپی های گمراهِ دیروز را که در صف هواداران «مقاومتی ها» ایستاده اند، خطاب می کنم:

نخست شرم و ننگین است که در کنار قاتلین و تروریستان دههء هفتاد و هشتاد رفقای تان قرار گرفته اید و **دوم اینکه:** آیا رهبران سابق شما، بعد از ۱۴ سال حکومتداری و بعد سقوط، در جریان سی سال اخیر توانستند دوباره به «مبارزهٔ طبقاتی!» شان برگردند؟... که نتوانستند. پس چگونه یک گروه تروریست، دزد و فاسد چون «شورای نظار»ی ها و «جمعیتی» ها می توانند دوباره برگردند؟ ..!

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ